



بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین المللی

پدیدآورنده (ها) : قاری سیدفاطمی، سید محمد

میان رشته ای :: نشریه نامه مفید :: بهار ۱۳۷۴ - شماره ۱ (ISC)

صفحات : از ۱۵۵ تا ۱۸۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/26928>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- حقوق پناهندگی در اسلام: منبعی برای توسعه ی حقوق بین الملل پناهندگی
- پناهندگی (پناهندگی در فقه اسلامی)
- مصاحبه با استاد حقوق بشر و بین الملل در موضوع پناهندگی از منظر حقوق بشر: «نظام حقوق پناهندگان، به سختی نمره قبولی می گیرد»
- آسیب پذیری فرهنگی زنان / گفتگو
- پناهندگی (تاریخچه، جنبه های حقوقی، پناهندگان کشورهای اسلامی)
- تحلیل ابعاد حقوقی پناهندگی در چارچوب نظام حاکم بر جامعه بین المللی
- اخلاق مبلغان حریت در گرو ساده زیستی
- اخلاق مبلغان: عوامل موفقیت در تبلیغ - ۱
- اخلاق مبلغان: عوامل موفقیت در تبلیغ - ۲
- علل گریز جوانان از نماز - ۱
- اخلاق: مبلغان و خطر غرور
- بررسی حجیت ظواهر قرآن - در پرتو آموزه های نهج البلاغه -

عناوین مشابه

- بررسی تطبیقی حسن نیت در فقه، حقوق خارجی و اسناد بین المللی
- بررسی تطبیقی نقش مولفه های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه و اسناد بین المللی
- بررسی تطبیقی جرم پولشویی در فقه، حقوق ایران و اسناد بین المللی
- بررسی تطبیقی حقوق کودک در اسناد و مقاله نامه های بین المللی با قوانین و مقررات داخلی/ قسمت اول
- بررسی تطبیقی اجاره فرعی و انتقال اجاره در حقوق ایران و اسناد بین المللی (DCFR & PEL LG)
- بررسی حقوق عمومی اقلیت های دینی اهل کتاب در فقه امامیه و اسناد بین المللی
- مطالعه تطبیقی الزام به اجرای تعهد به عنوان شیوه جبران خسارت در فقه، حقوق ایران و اسناد بین المللی مربوطه
- بررسی تطبیقی حقوق کودک در اسناد و مقاله نامه های بین المللی با قوانین و مقررات داخلی/ قسمت پایانی
- بررسی تطبیقی حقوق کودک در اسناد و مقاله نامه های بین المللی با قوانین و مقررات داخلی/ قسمت دوم
- بررسی تطبیقی حفظ محرمانگی در اسناد بین المللی و حقوق ایران با تاکید بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز

بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی

در فقه و اسناد بین المللی

سید محمد قاری سید فاطمی

چکیده:

مفهوم پناهندگی و تعریف پناهنده، از دیدگاه فقهی و در اسناد بین المللی متفاوتند. گرچه هم فقه و هم منابع بین المللی، حقوقی را برای پناهنده به رسمیت شناخته اند. در این مقاله کوشش شده است مفهوم پناهنده از دیدگاه فقه و اسناد بین المللی تبیین و تعریف شود.

هم چنین حقوق پناهندگان در کشور پذیرنده از دیدگاه فقه و منابع بین المللی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

قرآن کریم:

«و اگر یکی از مشرکان به تو پناهنده شد، به او پناه بده تا سخن خدا را بشنود». توبه/ ۶

ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی:

«هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتخاب و انتقال مکان برای اقامت در داخل و یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگر پناهنده شود و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود، با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد»

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند»

بعنوان مقدمه

بررسی تطبیقی مسایل حقوقی، دریافتن راه حلهای جدید و بهره گیری از دیدگاه و تجربیات متقابل نظامهای مختلف حقوقی، ارزشی انکار ناپذیر دارد. بررسی تطبیقی مسائل فقهی با عمر کهن فقه شیعی قرین است. تدوین کتاب الخلاف توسط شیخ الطائفه نقطه عطفی در این زمینه است. بررسی تطبیقی مسایل فقهی توسط فقیه نام آور دهه های اخیر، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی روحی دیگر در کالبد فقه شیعی دمید. و هم اکنون نیز حوزه فقهی شاگردان برجسته آن فقیه فرزانه به دلیل پی گیری آن متد موفق، برجستگی خاصی دارد.

با این وجود، بعلت ورود اندیشه های حقوقی غیر اسلامی در حوزه باورهای حقوقی کشورهای اسلامی، ضرورت بررسی تطبیقی مسایل فقهی با سایر نظامهای مطرح (به ویژه در قلمرو مسایل اجتماعی) به خوبی احساس می شود.

از جمله مباحث تطبیقی بررسی و مطابقه مسایل مربوط به حقوق و روابط بین الملل و تطبیق آن با راه حلهای ارائه شده در فقه می باشد.

نگارنده به این حقیقت اذعان دارد که تقارب در این زمینه بسیار مشکل است چرا که فضای حاکم بر فقه، و فضای حاکم بر منابع بین المللی معاصر کاملاً متفاوت است. با این وجود با اجتهاد و مطابقه می توان نقاط مشترک را یافت و به تفکیک موارد اختلاف پرداخت.

از جمله مسایلی که فقه نسبت به آن سخن رانده و حقوق بین الملل نیز از کنار آن نگذاشته است، حقوق بیگانگان در کشور پذیرنده است. و از جمله بیگانگانی که ممکن است مورد ظلم و ستم قرار گرفته و از حقوق انسانی محروم بمانند، پناهندگان هستند. چرا این که این خیل عظیم انسانی از حمایت سیاسی دولت متبوع خود بی بهره و در دولت پذیرنده نیز بیگانه اند.

امید است این حرکت ناچیز علمی زمینه ای باشد برای پی گیری عزیزان آشنا به فقه و مطلع از حقوق بین الملل.

۱- تعریف پناهنده

۱-۱- در فقه امامیه

شیخ الطائفه در کتاب مبسوط در تعریف مستامن^(۱) چنین آورده است:

«فأما المستامن والمعاهد، فهما عبارتان عن معنى واحد وهو من دخل اليها بأمان لاللبقاء والتأييد».^(۲)

مستامن و معاهد هر دو به یک معنی هستند و به کسی گفته می شود که به خاطر پناهندگی به سرزمین اسلامی وارد شده است، نه برای اقامت دائمی.

در بحث شرایط عقد پناهندگی، به تجزیه و تحلیل بیشتر این تعریف و قیود آن خواهیم پرداخت.

۱-۲- در منابع بین الملل

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تعریف جامع و فراگیری از پناهنده ارائه داده است.^(۳)

در قسمتی از ماده مذکور پناهنده به شخصی اطلاق شده که:

... به علت ترس موجه از این که بععلل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروههای اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می برد و نمی تواند و یا به علت ترس مذکور نمی خواهد، خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می برد، نمی تواند یا به علت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور باز گردد.^(۴)

این کنوانسیون افرادی را از شمول مقررات خود استثنا کرده است از جمله افرادی که:

الف- مرتکب جنایتی علیه صلح یا جنایت جنگی شده باشند. (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین المللی که برای پیش بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده است.)

ب- قبل از آن که در کشور پناه دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شوند، در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمده ای که مشمول مجازات عمومی می باشند، شده باشند.

ج- مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند.

۳-۱ تجزیه و تحلیل تعریف پناهنده

الف- گرچه هم از دید فقه و هم از نظر منابع بین المللی پناهنده، بیگانه ای است در کشور پذیرنده، لیکن یک نکته اساسی بین پناهنده از دید فقهی و پناهنده از دید منابع بین الملل وجود دارد.

پناهنده به کشور اسلامی، با درخواست پناهندگی خود، از کشور اسلامی طلب امان می کند و در حقیقت نگرانی عمده او از خود دارالاسلام است نه این که در وطن خود دچار مشکلی باشد؛ و حال آنکه پناهندگان مورد نظر در حقوق بین المللی معمولاً از کشور و محل سکونت عادی به خاطر ترس از تعقیب و برای نجات جان، مال و آزادی خود به کشور دیگری پناهنده می شوند. (۵)

ب- عنصر اساسی در مسأله پناهندگی در تعریف کنوانسیون، مسأله «ترس موجه، از تعقیب و آزار» است.

ترس مفهومی ذهنی و نسبی است، بنابراین تشخیص دقیق و همه جانبه آن با توجه به اوضاع و احوال پناهنده و کشور محل سکونت دایمی وی، مورد ارزیابی و دقت قرار می گیرد.

ج- عنصر اساسی در پناهندگی مورد نظر فقه، اختلاف دینی و در واقع «شُرک» است. مشرکین به علت ترس از تعقیب و مجازات به خاطر عقیده، از دارالاسلام تقاضای پناهندگی کرده. تا با حفظ اعتقادات و آداب و رسوم خود و البته با رعایت شرایطی خاص، از حمایت دولت اسلامی بهره مند گردند.

۲- ماهیت حقوقی پناهندگی در فقه امامیه

فقهای امامیه بالاجماع پناهندگی را عقد دانسته اند، عقدی که برای انعقاد آن اهلیت طرف پذیرنده الزامی است.

در اصل تجویز پناهندگی، فقهاء به آیه شریفه:

«وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه». (۶) و نیز بعضی روایت وارده از اهل بیت استناد کرده اند. (۷)

آیه شریفه به نظر می رسد که دلالت بر تکلیف دولت اسلامی بر پذیرش پناهندگان و

حق پناهنده برای پذیرفته شدن دارد. چرا که صراحتاً فرمان می دهد در صورت درخواست مشرک به او پناهندگی داده شود. لیکن با تأمل در سایر آیات و شان نزول آیه، این برداشت منتفی می شود؛ چون که ذهنیت مسلمان در آن برهه از تاریخ اسلام این بوده است که به مشرک نمی توان پناه داد و آیات تحریض مسلمانان بر جهاد و قتال مشرکین نیز مؤید این ذهنیت است. نزول این آیه شریفه برای زدودن این ذهنیت بوده است، در واقع پس از آن همه تأکید بر عدم مصالحه و سازش با مشرکان و قتال با آنها، امر به پناه دادن آنها شده است.

بعضی از اصولیون در این گونه موارد، که پس از نهی یا توهّم منع امری وارد شود، این امر را دلیل بر تکلیف الزامی نمی دانند. و اصطلاحاً می گویند؛ امر عقیب حظر دلالت بر وجوب ندارد. (۸)

به این نحو استدلال دو اشکال ممکن است وارد شود:

اول: آن که این مسأله اصولی در محل خود محل اختلاف علمای اصول است چه این که از دید بعضی علما امر وارد بعد از حظر همانند امر ابتدایی است. چنان که علامه حلی، همین دیدگاه را تقویت کرده و امر عقیب حظر را همانند امر ابتدایی می داند. (۹)
ثانیاً: ذیل آیه شریفه حکمت و علت این حکم را بیان می کند و فلسفه پذیرش استجاره مشرکین را، شنیدن سخن خدا می داند. (۱۰)

حال با توجه به اطلاقات و عمومات وارده در سایر ابواب فقه مثل امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ دین، آیا می توان مشرکی را که برای شنیدن کلام خدا و اطلاع از جزئیات دین اسلام درخواست پناهندگی کرده، درخواستش را رد کنیم؟
بنابراین به نظر می رسد که پذیرش درخواست پناهنده تکلیفی بر دولت اسلامی باشد، بویژه اگر هدف پناهنده، استماع کلام خدا باشد.

با این وجود به نظر می رسد برای تحلیل دقیقتر ماهیت حقوقی پناهندگی، کلمات فقهاء و بعضی روایات وارده درباره پناهندگی را ذکر کنیم تا پس از آن به نتیجه گیری دقیق و مشخص دست یابیم. ابن برّاج امان را جایز می داند و برای جواز آن به آیه شریفه استجاره و به عملکرد پیامبر (ص) استناد می کند که در سال حدیبیه هنگام پناه دادن ام هانی به بعضی مشرکین آن را امضاء فرمود. سپس با پرداختن به شرایط آن، تصریح به عقد بودن آن می کند. (۱۱) ایشان در هیچ جا اشاره ای به تکلیف بودن پذیرش درخواست

پناهندگی ندارد. شیخ طوسی در کتاب مبسوط نیز دیدگاه های مشابهی عرضه داشته و ۱۵۹

کلامی که دلالت بر تکلیف دارالاسلام بر پذیرش درخواست پناهنده داشته باشد،
نیاورده است. (۱۲)

علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام تصریح به عقد بودن امان داشته، شرایط و
خصوصیات طرفین عقد و ... را بر می شمارد و هیچ کجا اشاره ای به تکلیف بودن
پذیرش آن ندارد. (۱۳)

محقق حلی در شرایع پناهندگی را عقد دانسته و هیچ اشاره ای به تکلیف بودن آن
ندارد.

مرحوم شیخ محمدحسن نجفی در کتاب جواهر، دیدگاه ماتن را تقویت و با ذکر ادله
عقد بودن آن را تصریح می نماید. (۱۴)

به هر حال با بررسی کتابهای مشهور فقه شیعه، می توان به این نظر قطعی رسید که
فقها، پناهندگی را عقد دانسته و آیه شریفه استجارة را دلیل بر جواز ذکر کرده اند. و
هیچ اشاره ای به تکلیف بودن پذیرش درخواست پناهنده ندارند.

به نظر می رسد بتوان با حفظ این نظر - یعنی قول به عقد بودن پناهندگی - به نحوی
دولت را مکلف به پذیرش درخواست پناهندگی دانست. بدین نحو که اصل پناهندگی را
عقد بدانیم، لیکن عقدی که در صورت درخواست پناهنده، دولت نتواند درخواست وی
را نپذیرد.

ممکن است این اشکال مطرح شود: وقتی طرفی مکلف به پذیرش باشد، قول به
عقد بودن آن لغو است، زیرا از خصوصیات عمده عقد، اختیار طرفین بر انعقاد یا عدم
انعقاد آن است. و اگر این فایده منتفی شود، چه ثمره ای بر عقد بودن پناهندگی مترتب
است؟

در جواب خواهیم گفت: ثمره اصلی آن، امکان درج شرایط ضمن عقد است؛
یعنی دولت مکلف است درخواست پناهندگی را بپذیرد ولیکن می تواند ضمن عقد،
شرایطی را که متناسب با مصلحت و صلاح کشور اسلامی است درج نماید. و بر این
فایده فقهای بزرگ شیعه تصریح کرده اند. (۱۵)

۳- انواع پناهندگی در فقه

۳-۱- در فقه امامیه همانگونه که امام و حاکم حق پناه دادن به غیر مسلمانان را دارد،

همه افراد مسلمان نیز چنین حقی را دارند. (۱۶) بنابراین پناهندگی را می توان به دو نوع

تقسیم کرد:

۳-۱-۱- رسمی:

پناهی که حاکم مسلمین به فرد و یا گروه‌هایی از غیر مسلمانان می‌دهد.

۳-۱-۲- غیر رسمی:

پناهی که فرد مسلمان به غیر مسلمان می‌دهد.

البته فرد مسلمان نمی‌تواند به تعداد زیادی از غیر مسلمانان و یا شهری از آنان و یا اصولاً پناهندگی به نحو عام اعلام نماید.^(۱۷) گرچه بعضی از فقها در این نظر خدشه داشته، برای فرد مسلمان نیز حق پناه دادن به تعداد زیادی را قایل‌اند.

۳-۲- تقسیم بندی دیگر

مؤلف کتاب، احکام الذمین والمستأمنین فی دارالاسلام تقسیم بندی نسبتاً جامعی از انواع پناهندگی نموده که به نظر می‌رسد می‌توان آن را با فقه امامیه نیز سازگار دانست.^(۱۸)

مرکز تحقیقات فقه و علوم اسلامی

۳-۲-۱- امان موقت خاص:

امانی است که به یک غیر مسلمان حربی یا ده نفر و یا یک قافله داده می‌شود و هر مسلمان حق دادن چنین امانی را دارد.^(۱۹)

۳-۲-۲- امان موقت عام:

امانی است که امام مسلمین به تمام غیر مسلمانان حربی و یا تعداد نامعین از آنها می‌دهد.

۳-۲-۳- امان بالمواذعة

مواذعة، نوعی از امان موقت است با غیر مسلمانان برای ترك جنگ. و به آن معاهده و مسالمة و مهاده نیز می‌گویند.

۴-۲-۳- امان بر اساس عرف و عادت:

۴-۲-۳-۱- فرستادگان و سفرا:

فرستادگان غیر مسلمان به دارالاسلام بدون دریافت پناهندگی قبلی از طرف مسلمانان در امانند؛ چرا که فرستادگان در زمان جاهلیت در امان بودند و پیامبر اسلام(ص) نیز فرستادگان مشرکان را امان می داد.

۴-۲-۳-۲- بازرگانان:

مذاهب مالکی و شافعی و حنبلی بازرگانان را به استناد عرف و عادت در امان می دانند.

۴-۲-۳-۵- پناهندگی تبعی:

فرزندان کوچک نیز به تبع اولیاء خود در امان هستند. (۲۰)

۴- مدت پناهندگی

ظاهراً تمام فقهای شیعه به مدت دار بودن عقد پناهندگی نظر دارند. و آنچه مورد اختلاف است، مدت پناهندگی است که از چهار ماه تا ۱۰ سال گفته اند. (۲۱) البته باید توجه داشت قول به ۱۰ سال که توسط شیخ طوسی در مبسوط اظهار گردید، با لحاظ عنصر مصلحت مسلمین بیان شده است. (۲۲) اگر عنصر تعیین کننده مدت، مصلحت جامعه اسلامی باشد، به نظر می رسد این مدت با توجه به مصلحت قابل تمدید باشد.

۵- الفاظ عقد امان

از بررسی کتب فقهی به این نتیجه کلی می توان رسید که عقد امان با هر لفظ و حتی حرکت و اشاره ای که بیانگر پذیرش دارالاسلام باشد، منعقد می شود. (۲۳) بنابراین می توان گفت دولت اسلامی با صدور اعلامیه های عمومی و یا حتی ملحق شدن به کنوانسیونها و میثاقها و پروتکلها آنچه را که دلالت بر قبول امان دارد را اظهار

۱۶۲ کرده است.

غ- ماهیت حقوقی پناهندگی در منابع بین المللی

بی تردید بحثی از نوع آنچه در صفحات پیش گذشت در ارتباط با منابع بین المللی مطرح نمی شود. آنچه در منابع بین المللی بایستی مورد بررسی قرار گیرد این است که: آیا پناهندگی حقی است برای افراد، که در شرایط خاص از آن استفاده کنند و از طرفی تکلیفی است برای کشور مورد تقاضای فرد، یا خیر؟

با بررسی مجموع منابع معتبر بین المللی می توان گفت که افراد در شرایط خاص که در معرض خطر و ترس باشند، حق خواهند داشت به کشورهای دیگر پناهنده شوند و کشورهای مورد تقاضای فرد، مکلف به پذیرش او هستند. (۲۲)

در مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان، نکاتی آمده است که از مجموع آنها می توان چنین نتیجه گرفت که اصل پذیرش پناهنده، حقی برای پناهنده و تکلیفی برای کشور مورد درخواست است.

ماده ۳۱: پناهندگانی که بر خلاف قانون در کشور پناهنده به سر می برند:

۱- دولتهای متعاقد، پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی و آزادیشان به مفهوم ماده ۱ در معرض تهدید بود. و بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده یا در آنجا به سر می برند را به خاطر این که بر خلاف قانون، وارد سرزمین آنها شده اند یا در آن بسر می برند، مجازات نخواهند کرد؛ مشروط بر این که بلا درنگ خود را به مقامات مربوطه معرفی کرده، دلایل قانع کننده ای برای ورود یا حضور غیر قانونی خود ارائه دهند.

۲- دول متعاقد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیتهایی غیر از آنچه لازم باشد قایل نخواهند شد و محدودیتهای مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه دهنده تعیین نشده است یا اجازه ورود به کشور دیگری را تحصیل نکرده اند.

دول متعاقد به این قبیل پناهندگان فرصت مناسب داده و تسهیلات لازم را برای آنان فراهم خواهند ساخت تا اجازه ورود به سرزمین دولت دیگر را تحصیل نمایند؟

ماده ۳۲ اخراج:

- ۱- دول متعاقد، پناهنده‌ای را که به طور منظم در سرزمین آنان به سر می‌برند، اخراج نخواهند کرد؛ مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی:
- ۲- اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شود که برای رفع اتهام از خود مدارکی ارائه دهد.
- ۳- دول متعاقد به چنین پناهنده‌ای فرصت مناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از طریق قانونی مجوز ورود به کشور دیگری را تحصیل کند ...

ماده ۳۳ منع اخراج یا اعاده:

- ۱- هیچ یک از دول متعاقد به هیچ وجه پناهنده‌ای را به سرزمینهایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص، یا دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.
 - ۲- اما پناهنده‌ای که طبق دلایل کافی، وجودش برای امنیت کشوری که در آن به سر می‌برد، خطرناک بود. یا طبق رای قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر به حال جامعه کشور تشخیص داده شود، نمی‌توانند دعوی استفاده از مقررات مذکور در این ماده را به نمایند.
- با تأمل در مجموع این مواد وبا عنایت به مقدمه همین کنوانسیون که تصریح به بهره‌مندی آحاد بشر از آزادیهای اساسی و حقوق اولیه دارد، می‌توان گفت: روح حاکم بر این کنوانسیون تأکید بر حق پناهندگی برای افراد در معرض خطر و ترس و تکلیف برای دولتهای متعاقد بر پذیرش این گونه افراد است.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی در ماده ۱۲ خود تصریح می‌کند که:

«هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتخاب و انتقال مکان برای اقامت در داخل و یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگر پناهنده شود و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود؛ با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در ماده ۱۴ خود بیان می‌دارد که:
«هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و
در کشورهای دیگر پناه اختیار کند،» (۲۵)

علی‌رغم تأکیدات فوق به نظر نمی‌رسد تکلیف به پذیرش پناهندگان در کشورها به
صورت عرف بین‌المللی در آمده باشد؛ چرا که در موارد متعدد استنکاف کشورها از
پذیرش پناهندگان دیده شده است. و سازمانهای مدافع حقوق و یا سازمان ملل به استناد
این مواد به تقبیح آن نپرداخته‌اند. (۲۶)

۷- نتیجه و تطبیق

۱- مفهوم پناهنده از دید منابع بین‌الملل و فقه امامیه کاملاً متفاوت است. پناهنده در
اصطلاح حقوق کلاسیک امروزه، به خاطر ترس از خطری که در کشور محل اقامت خود
متوجه اوست به کشور دیگری پناهنده می‌شود.

و حال آن که مستامن در فقه، به خاطر ترس از خطراتی است که در دارالاسلام ممکن
است متوجه او باشد.

۲- پناهندگی از دید فقهی ماهیتی عقدی دارد و تنها در موردی که پناهنده به خاطر
اطلاع از مسایل مذهبی اسلام تقاضای پناهندگی می‌کند، جنبه حق تکلیفی پیدا می‌کند.
و حال آنکه پناهندگی در حقوق بین‌الملل جنبه حق و تکلیفی دارد؛ حقی برای پناهنده و
تکلیفی برای کشور پذیرنده.

۸- حقوق پناهنده

۸-۱- طرح موضوع

در مورد پناهنده در منابع بین الملل و فقه شیعی، از دو جنبه می توان حقوقی را ترسیم کرد.

الف- حقوقی که «بیگانگان مستقلاً و بدون آن که در معاهدات قیدی به نفع آنها بشود و حتی بدون وجود شرط معامله متقابل، دارای آن بوده و دولتها مجبور به رعایت آن هستند»^(۲۷) حقوق اساسی که در منابعی از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای مختلف بدون توجه به تابعیت و وضعیت خاص بشر در نظر گرفته شده، از این قبیل است.

در فقه نیز برای بیگانگان متعهد، حقوقی به نحو عام در نظر گرفته شده که بالطبع پناهندگان را نیز شامل می شود. و لذا بعضی از فقهاء بحث امان و بحث ذمه را یک جا و با احکامی مشترك مورد بررسی قرار داده اند.^(۲۸)

ب- حقوقی که پناهندگان به طور خاص از آن برخوردار هستند. در منابع بین الملل، در این مورد کنوانسیون و پروتکل خاصی تدوین شده که در مباحث آتی به آن اشاره می شود. در فقه نیز از آنجا که امان را فقها عقد دانسته و درج شرایطی را در ضمن آن جایز دانسته اند، پناهنده می تواند به وسیله این شرایط از حقوقی بیشتر از حداقل برخوردار شود.^(۲۹)

حال پس از این مقدمه کوتاه به بررسی حقوقی که می توان برای پناهنده چه در فقه شیعی و چه در منابع بین الملل در نظر گرفت، می پردازیم:

تذکر این نکته ضروری است که حق حیات، اولی ترین و اساسی ترین حقی است که برای انسانها می توان تصور کرد. و سایر حقوق نیز متفرع بر این حق قابل ترسیم هستند. ما در این نوشتار این حق اساسی را مفروضه فرض کرده و به بررسی سایر حقوق می پردازیم.

۸-۲- حقوق پناهنده در کشور پذیرنده بر اساس فقه امامیه

۸-۲-۱- تأمین اجتماعی

امروزه تأمین اجتماعی با دو مکانیسم در کشورهای مختلف جهان اعمال می شود:

الف- سیستم مشارکت :

در این سیستم افراد با پرداختن وجوهی به سازمانهای مربوطه در دوران از کار افتادگی و یا بی کاری از مزایای آن بهره مند می شوند. برای این مورد اکثر کشورهای در حال توسعه را می توان مثال آورد. در ایران نیز همین سیستم اعمال می شود. در این روش افراد با پرداختن درصدی از درآمد خود دوره های بازنشستگی، بی کاری و از کار افتادگی خویش را بیمه و از مزایای تأمین اجتماعی بهره مند می شوند. (۳۰)

این سیستم بالاخص افراد غیر شاغل را تحت پوشش ندارد و تحت پوشش قراردادن مستمندان و از کار افتادگان، با اعمال سیاستها و مکانیسمهای دیگری در حد توان دولت صورت می گیرد. در واقع دولت خود را عملاً درگیر تأمین همه جانبه کلیه افراد مملکت نمی کند. (۳۱)

ب- سیستم حداقل ملی (۳۲)

این سیستم پس از جنگ دوم جهانی از انگلستان شروع و به سایر کشورها سرایت کرد. در اساس این مکانیسم دولت خود را مکلف به تأمین حداقل زندگی برای کلیه اتباع خود می داند. و این حداقل را نه بر اساس پرداخته های قبلی افراد، بلکه از خزانه دولت تأمین می کند. (۳۳)

البته در این کشورها در مورد افراد شاغل و دارای درآمد، سیستم مشارکت نیز اعمال می شود؛ لیکن سیستم حداقل ملی، نسبت به همه آنها جاری است.

اسلام و تأمین اجتماعی

از بررسی مجموعه مقررات مالی و احکام مختلف اسلام چنین بر می آید که احکام آن به خوبی قابل انطباق با سیستم دوم می باشد.

بررسی احکام مربوط به خمس و زکات و موقوفات و مظالم و... همه نمایانگر پوشش دادن همه افراد جامعه است. امام (ع) در روایتی صحیح صریحاً بیت المال را مکلف به تأمین همگانی افراد دانسته اند. (۳۴)

تأمین اجتماعی حقّی برای اتباع غیر مسلمان

با توجه به مقدمه کوتاهی که گذشت، مطلب را نسبت به اتباع غیر مسلمان پی

می گیریم. از بررسی مجموعه احکام اسلام چنین بر می آید که نسبت به کلیه ساکنان

کشور اسلامی از جمله پناهندگان رعایت حداقل معیشت ضروری است. برای این نظر علاوه بر ادله عامه ای که امکانات معیشتی موجود در زمین را برای عموم مردم دانسته است،^(۳۵) و همچنین اشعار صحیحۀ زرارۀ و محمد بن مسلم،^(۳۶) به روایت خاصی که از امیرالمؤمنین(ع) در زمان حکومتشان اتفاق افتاده، می توان استناد کرد.

در روایتی چنین آمده است:

امیرالمؤمنین(ع) روزی پیر مردی را در حال تکدی مشاهده فرمود. از وضعیت او سؤال کردند، در پاسخ به حضرت گفتند: که او مردی نصرانی است، حضرت با بیان این عبارت که تا توان داشت از او استفاده کرده. و حال که پیر شده رهایش کرده اید، زشتی این عمل را گوشزد می نمایند. آنگاه می فرمایند که او را از بیت المال تأمین کنید.^(۳۷)

نظر به موافقت مفاد روایت با اصول و قواعد کلی فقهی و هماهنگی آن با احکام ذکر شده در کتاب الزکاة در مورد مستحقین دریافت زکاة^(۳۸) و همچنین سیرۀ عملیه حضرت رسول اکرم(ص) و امیرالمؤمنین پی گیری سند روایت را به محل خود وا می گذاریم. تقریب استدلال:

عنوان نصرانی در این مورد خصوصیتی ندارد و آنچه مورد توجه بوده، اصل پدیده شوم تکدی و برخوردار نبودن از حداقل امکانات معیشتی است چه این که حضرت(ع) نفرمود من هذا؟ این مرد کیست، بلکه فرمود ما هذا؟ این چه پدیده زشتی است. و آنگاه برای ریشه کنی این قبیل موارد، دستور ادراۀ او توسط بیت المال را می دهند. و به گفته بعضی از بزرگان:

غیر مسلمانان در سایه حکومت های اسلامی از آنچنان کرامت و آسایش اقتصادی و معیشتی و ... برخوردار بودند که در هیچ یک از حکومت های غیر اسلامی برخوردار نبوده اند.^(۳۹)

۲-۸- امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی یکی از اساسی ترن حقوقی است که افراد در زندگی اجتماعی به آن نیازمند هستند. همچنین از وظایف اصلی دولتها، برقراری امنیت اجتماعی برای شهروندان است. در این زمینه دولت اسلامی خود را مکلف به تأمین امنیت اتباع مسلمان

و غیر مسلمان خود می‌داند. و بهره‌مندی از این موهبت الهی را حق همه می‌شناسد. و در این زمینه تبعیض بین مسلمانان و غیر مسلمان، تبعه و غیر تبعه نمی‌بیند.^(۴۰) تا جایی که امیرالمؤمنین(ع) تعدی و پایمال شدن حق یک زن غیر مسلمان تحت حمایت دولت اسلامی را آن چنان ناراحت‌کننده توصیف می‌کند که اگر مرد مسلمانی از تأسف و ناراحتی بر این سلب امنیت بمیرد، کاری پسندیده کرده است و قابل ملالت نیست. حضرت در خطبه‌ای فرمودند:

«به من خبر رسیده که یکی از لشکریان ایشان (معاویه) بر یک زن و یک زن کافره ذمیّه داخل شده و خلخال و دست‌بند و گردن‌بندها و گوشواره‌های او را می‌کند، و آن زن نمی‌توانسته از او ممانعت کند مگر آن که صدا به گریه و زاری بلند نموده و از خویشان خود کمک بطلبد. سپس مهاجمین با غنیمت بسیار بازگشته در صورتی که به یک نفر از آنها زخمی‌نرسیده و خونی از آنها ریخته‌نشد.

اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد بر او ملامت نیست بلکه نزد من هم به مردن سزاوار است».^(۴۱)

مرکز تحقیقات کمپوتر علوم اسلامی

۳-۲- امنیت قضایی:

از جمله حقوق اتباع یک کشور بهره‌مندی از امنیت قضایی و مراجعه به دادگاه‌ها، برای احقاق حقوق خود است. اصولاً قوه قضائیه و دادگاه‌ها، پشتوانه اصلی حفظ نظم و ضامن بقای امنیت اجتماعی هستند. تصور امنیت اجتماعی مستحکم، بدون قوه قضائیه نیرومند در جوامع انسانی چندان واقع‌بینانه نیست. لذا این حق نیز از حقوق اساسی افراد در جوامع انسانی به شمار می‌رود.

دولت اسلامی چنان‌که برای اتباع خود حق مراجعه به دادگاه‌ها و احقاق حق از طریق آنها را محفوظ داشته، برای غیر اتباع خود نیز این حق را مراعات می‌کند. تاجایی که حاکم کل مسلمین علی‌ابن‌ابی‌طالب(ع) بر علیه یک غیر تبعه کشورش نزد قاضی شهر شکایت می‌برد و ادعای مالکیت زره‌ای که در اختیار آن یهودی است می‌نماید. شریح که قاضی حکومت خود اوست، حکم، به نفع یهودی می‌دهد؛ چون که ادله حضرت را کافی نمی‌بیند. شهادت فرزندش به نفع پدر را نمی‌پذیرد و حضرت نیز تن به این حکم می‌دهد. و همین برخورد عادلانه حضرت امیرالمؤمنین(ع) باعث مسلمان شدن آن

یهودی می‌گردد. ^(۴۲) با این وجود یک نکته قابل توجه و بررسی است و آن این که: فقهای عظام در تمام زمینه‌ها دادگاه‌های اسلامی را مکف به حمایت و رسیدگی به مسایل غیر مسلمانان نمی‌دانند؛ بلکه فقط در مواردی این محاکم را محق به رسیدگی و فصل دعاوی آنان دانسته‌اند. ^(۴۳) حال این سؤال مطرح است که خود داری دادگاه‌ها و محاکم اسلامی از رسیدگی به دعاوی غیر مسلمانان، به معنای عدم حمایت قضایی حکومت اسلامی از این گروه افراد است؟ و یا این که این حق را به آنها داده است که خود اقدام به برپایی محاکم مبتنی بر موازین و حقوق خود نمایند و دستگاه‌های اجرایی حکومت اسلامی نیز از تصمیمات آن محاکم حمایت کنند؟ نگارنده بر این باور است که مکلف نبودن محاکم اسلامی از رسیدگی به دعاوی غیر مسلمانان، به معنای پذیرش حق داشتن محاکم اختصاصی به آنها است. و در این مورد به برخی شواهد تاریخی و روایات کرده و می‌توان استناد کرد. بحث تفصیلی در این باره خارج از حوصله این نوشتار است. ^(۴۴)

صرفنظر از این بحث از آن جا که پناهندگی و استیمن عقد است و می‌توان ضمن آن شرایطی گنجانده شود، پذیرش اصول بین المللی حقوق پناهندگان توسط دولت اسلامی به معنای پذیرش شرایط ضمن عقد است، چنان که در مباحث آتی خواهد آمد. در اسناد بین المللی برای پناهنده حق مراجعه به دادگاه‌های کشور پذیرنده را به رسمیت شناخته است. و چون این حق منافاتی با کتاب و سنت ندارد بنابراین پناهنده در حکومت اسلامی گرچه نه به مقتضای اصل عقد پناهندگی، ولی به مقتضای شرط ضمن عقد می‌تواند از آن برخوردار باشد.

۴-۲- کسب و دانش

کسب و دانش از جمله حقوقی است که اسلام برای همه انسانها به عنوان حقی مسلم در نظر داشته است. و حتی نسبت به مسلمانان در بعضی شرایط به عنوان تکلیف مطرح می‌کند.

آیات و روایاتی که تاکید بر طلب علم می‌کند، غالباً به صورت مطلق بوده و قید مسلمان و غیر مسلمان در آن ذکر نشده است. عملکرد و روش پیامبر در دوره

حکومتش، و سایر حکومت‌های اسلامی نیز گواه این ادعا است. و به گفته بعضی از بزرگان آزادی که در کسب دانش، غیر مسلمانان در سایه حکومت اسلامی داشتند، در حکومت‌های مسیحی و غیر مسیحی هرگز نداشته‌اند. (۴۵)

۵-۲-۸ حرفه و صنعت

قوام جوامع انسانی تا حدود زیادی وابسته به حرف و صنایع رایج در آن جوامع است؛ تا جایی که فقهای شیعه در بعضی موارد فتوا به وجوب اشتغال و یادگیری آن را به مسلمانان داده‌اند.

نسبت به غیر اتباع کشور اسلامی، این حق با رعایت مقررات دولت اسلامی محفوظ است و تمامی مشاغلی که با قراردادهای منعقدہ بین کشور پذیرنده و پناهنده منافات نداشته باشد، آزادند. (۴۶) سیرۀ عملیہ حکومت‌های اسلامی در برخورد با این حق و پذیرش آن می‌تواند دلیل این مدعا باشد، برای نمونه نامه‌ای که حضرت رسول (ص) به ابی الحارث بن علقمه اسقف نجران ارسال داشته‌اند، مؤید این مدعا است (۴۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

«از محمد پیامبر به اسقف ابی الحارث و اسقف‌های نجران و کاهنانشان و اتباع آنها و رهبانانشان: هر چه در اختیار دارند، کم باشد یا زیاد از قبیل دیر و کلیسا و ... و رهبانگیری و همسایگی خدا و پیامبرش برای خودشان بوده و نسبت به آن محق هستند.

نه هیچ اسقفی از شغل اسقفیش و نه راهبی از رهبانیش و نه کاهنی از کهانیش بر کنار نخواهد شد؛ و حقی از حقوقشان تغییر داده نخواهد شد ... البته به شرط آن که ظلم و ستمی در کار نباشد.»

با این تقریب که ذکر این موارد از باب نمونه است و کلیه مشاغل و حرف مشروع را شامل می‌شود. و به هر حال با بررسی روایات و سیرۀ حکومت‌های اسلامی و عملکرد پیامبر (ص)، می‌توان به این نظر قطعی رسید که غیر اتباع هم مانند اتباع کشور اسلامی در مشاغل مشروع آزادی داشته و جز در مواردی که قرار داد امان و یا ذمه ذکر و استثناء شده، در سایر حرف مجاز و ذی حق هستند. (۴۸)

۸-۲-۶- مذهب (۲۹)

آزادی مذهبی از جمله حقوقی است که پناهندگان از آن برخوردار هستند. شاید بهترین دلیل بر این مدعا، آیه شریفه‌ای است که اصل امان را تجویز می‌کند. چرا که به مقتضای آیه، مشرکین می‌توانند پناهنده شوند. و این آیه، اعطای پناهندگی به آنها مقید به تغییر دین و مذهب ننموده است؛ بلکه پناهندگی را به عنوان عاملی برای شنیدن پیام توحید مطرح می‌کند. (۵۰)

در ارتباط با محدوده آزادی مذهب برای غیر اتباع و کیفیت آن، مباحث فراوانی وجود دارد که از ورود دقیق و جزئی در آن اجتناب می‌کنیم؛ چرا که خود می‌تواند موضوع مقاله مستقلی باشد. نامه حضرت رسول (ص) که در بحث قبلی آورده شد می‌تواند مؤیدی برای پذیرش آزادی نسبی مذهب باشد. (۵۱)

۸-۲-۷- مالکیت

حق مالکیت در مورد اراضی نیز برای اقلیتها محفوظ است. و آنها می‌توانند از طریق معاهدات مشروع، زمین یا ساختمان و نظایر آن را به ملکیت خویش در آورند. اسلام بر اساس اصل احترام به مالکیت فردی، در مورد گروه‌های متعهد اجازه نمی‌دهد در ملک افراد کوچکترین تصرفی به عمل آید. و هرگونه تصرف در اموال ذمیان، بسته به رضایت و توافق قبلی می‌باشد. و در این باره اموال منقول و غیر منقول حکم یکسانی دارند. (۵۲)

۸-۲-۸- حق تردد در سرزمینهای اسلامی

۸-۲-۹- حق انتخاب مسکن

از آن جا که زندگی عادی بشری در گرو پذیرفتن این گونه حقوق اساسی است، باید گفت فقه نیز این حقوق را برای پناهنده به رسمیت شناخته است. شاید بهترین دلیل به پذیرش اصل این حقوق، تحدید و شرایطی است که فقها نسبت به آن بیان داشته‌اند.

در ارتباط با تردد و انتخاب مسکن، فقها مناطقی را از شمول این حق استثناء

۱۷۲ کرده‌اند که می‌توان سه مورد برای آن ذکر کرد:

الف- منطقه حرم

فقهای شیعه ورود و سکونت در منطقه حرم را برای غیر مسلمان جایز نمی دانند. (۵۳)
این قانون، حتی سفرا و نمایندگان خارجی را نیز شامل می شود.

ب- مساجد مسلمین

شیخ طوسی در مبسوط منع غیر مسلمانان از ورود به مساجد مسلمانان را به مذهب
فقهای شیعه نسبت می دهد.

ج- مناطقی که در قرارداد امان ذکر شده است. ممکن است در قرارداد به خاطر
مصلحت خاصی که کشور پذیرنده احساس می کند، بیگانگان را از ورود و تردد و
انتخاب مسکن در آن محروم و یا آن را مقید به مسکن گزیدن در منطقه خاصی کند. این
اشراف ضمن عقد، برای پناهنده تکلیف آور است.

به جز در موارد فوق به طور قطع می توان گفت: پناهنده از حق انتخاب مسکن و
تردد در مناطق مختلف کشور اسلامی برخوردار است.

۳-۸- حقوق پناهنده در منابع و اسناد بین الملل

گرچه پناهندگی سابقه ای طولانی دارد، لیکن حقوق پناهندگان به شکل جدید آن در
دهه های اخیر و از قرن بیستم مطرح شده است. برای ترسیم حقوق پناهندگان در حقوق
بین الملل به صورت کلی صرف نظر از موارد خاص و منطقه ای، به منابع مختلف می توان
استناد کرد. علاوه بر منابع بین الملل، حقوق داخلی کشورها و عرف بین المللی نیز
می تواند منابعی برای ترسیم حقوق پناهنده باشد.

در این زمینه کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو اعلامیه ها و میثاقهای عمومی مربوط به حقوق
بشر، و همچنین عرف بین الملل رعایت حداقل استاندارد راجع به اتباع بیگانه، مورد
مراجعه و تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

۱-۳-۸- رعایت حداقل استاندارد (۵۴)

امروزه رعایت حداقل به عنوان استاندارد بین المللی نسبت به حقوق بیگانگان، به
صورت عرفی بین المللی وجود دارد. گرچه رفتار با بیگانگان از کشوری به کشور دیگر
متفاوت است، لیکن می توان موارد ذیل را به عنوان حقوق عام و حداقل برای بیگانگان
در نظر گرفت. وردروس (۵۵) دانشمند اطریشی به گفته دکتر نصیری حداقل حقوق ۱۷۳

بیگانگان را این گونه خلاصه کرده است:

۱- در حقوق خصوصی، آن اندازه که برای ادامه زندگی هر بیگانه در یک کشور لازم و ضروری است. ۲- در حقوق مکتسبه وی که در سرزمینهای دیگر برای او حاصل شده اند. ۳- حقوقی که لازمه احترام به شخصیت فردی او می باشد. مانند آزادی شخصی، احترام مسکن، آزادی رفت و آمد. ۴- حق مراجعه به دادگاه. ۵- برخورداری از حمایت دولت محلی.^(۵۶) موارد فوق اساسی ترین حقوق را به نحو کلی بیان داشته است. برای مستدل کردن مطالب فوق، مواد مختلف اعلامیه های حقوقی بشر و کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ و پروتکل ضمیمه آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

۲-۳-۸- اعلامیه جهانی حقوق بشر^(۵۷)

گرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر، مستقماً در ارتباط با پناهندگان وضع نگردیده است، لیکن متضمن حقوقی است که برای همه انسانها صرف نظر از تابعیت و تعلق آنها به کشوری خاص تدوین گردیده است. چنان که در مقدمه آن آمده است که:

«مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً در مد نظر داشته باشند. و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد. و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می باشند، تأمین گردد.»^(۵۸)

اساسی ترین حقوق پیش بینی شده در این اعلامیه:

- ۱- حق زندگی و امنیت شخصی. (ماده یک)
- ۲- منع بردگی و داد و ستد بردگان به هر نوع. (ماده دو)
- ۳- حق برخورداری از رفتار موافق شئون بشری و منع شکنجه. (ماده سه)
- ۴- حق داشتن شخصیت حقوقی به عنوان یک انسان در مقابل قانون. (ماده شش)
- ۵- حق بهره مندی از عدم تبعیض در حمایت قانون. (ماده هفتم)
- ۶- حق مراجعه به محاکم ملی صالحه برای احقاق. (ماده هشتم)
- ۷- حق استقلال در زندگی خصوصی و امور خانوادگی در مقابل مداخله های

خودسرانه. (ماده دوازدهم)

- ۸- حق عبور و مرور آزادانه و ترك کشور. (ماده ۱۳)
- ۹- حق پناهندگی در سایر کشورها در مقابل تعقیب، شکنجه و آزار. (ماده ۱۲)
- ۱۰- حق داشتن تابعیت. (ماده ۱۵)
- ۱۱- حق تشکیل خانواده. (ماده ۱۶)
- ۱۲- حق مالکیت. (ماده ۱۷)
- ۱۳- حق داشتن مذهب و تغییر آن و انجام مراسم آن. (ماده ۱۸)
- ۱۴- حق آزادی عقیده و بیان. (ماده ۱۹)
- ۱۵- حق شرکت در اجتماعات مسالمت آمیز. (ماده ۳۰)
- ۱۶- حق بهره مندی از امنیت اجتماعی. (ماده ۲۳)
- ۱۷- حق انتخاب حرفه و شغل. (ماده ۲۳)
- ۱۸- حق تأمین اجتماعی و رفاهی. (ماده ۲۴ و ۲۵)
- ۱۹- حق بهره مندی از آموزش و پرورش و شرکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری. (ماده ۲۶-۲۷)

خلاصه ای از حقوق پیش بینی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر که برای کلیه انسانها، بدون توجه به ملیت آنها در نظر گرفته شده است. البته نباید از نظر دور داشت که این اعلامیه، حقوقی را نیز برای اتباع یک کشور در نظر گرفته که قابل تسری به بیگانگان نیست؛ از قبیل تصدی بعضی مشاغل و شرکت در حاکمیت ملی.

۳-۳- میثاقهای بین المللی.

- ۱- میثاق حقوق مدنی و سیاسی. (۵۹)
- ۲- میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. (۶۰)

این دو میثاق حاوی حقوق اساسی بشر است و اصول و صورت بندی آن، همان است که در اعلامیه جهانی آمده است. محتوا میثاقها آن را با دقت و وضوح بیشتری مورد تحلیل قرار داده و در برخی موارد نیز تغییرات کلی در آن به عمل آورده اند. با این ویژگی که در میثاقها، رعایت حقوق مندرج در آنها، برای دولتها یک تکلیف حقوقی محسوب می شود؛ در صورتی که اعلامیه جهانی آن را یک تکلیف اخلاقی و معنوی تلقی می کند. (۶۱)

۳-۴-۸- اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز با تأکید بر همبستگی انسانها با یکدیگر، حقوقی را به عنوان حقوق غیر قابل سلب برای همه انسانها پیش بینی نموده است. که این حقوق صرف نظر از وضعیت تابعیتی فرد برای او متصور است. (۶۵) از جمله:

- ۱- حق حیات. (ماده ۲)
- ۲- حق دفاع از آوازه و شهرت خود در زندگی و پس از مرگ. (ماده ۲)
- ۳- حق تشکیل خانواده. (ماده ۵)
- ۴- حق داشتن شخصیت حقوقی و یا قیم. (ماده ۸)
- ۵- حق طلب علم. (ماده ۵)
- ۶- حق انتقال و انتخاب مکان. (ماده ۱۲)
- ۷- حق کار و پیشه. (ماده ۱۳ و ۱۴)
- ۸- حق مالکیت. (ماده ۱۵)
- ۹- حق بهره مندی از دستاوردهای علمی ادبی-تکنولوژی مشروع. (ماده ۱۶)
- ۱۰- حق بهداشت عمومی. (ماده ۱۷)
- ۱۱- حق امنیت فردی و استقلال در امور خانوادگی و خصوصی. (ماده ۱۸)
- ۱۲- حق مساوات در مقابل دادگاه و قانون. (ماده ۱۹)
- ۱۳- آزادی بیان در محدوده مقررات شرعی. (ماده ۲۲)

۳-۵- کنوانسیون ۱۹۵۱ (۶۶) و پروتکل ۱۹۶۷ (۶۷) مربوط به پناهندگان

توضیحاتی پیرامون کنوانسیون و پروتکل فوق:

الف- «مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۵۰، طی قطعنامه شماره (۷) ۴۳۹، بر لزوم روشن شدن وضعیت پناهندگان تکیه کرد. و به دنبال آن، کنفرانس نمایندگان تام الاختیار ملل متحد در مورد وضعیت پناهندگان و افراد بدون تابعیت از ۲ تا ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو برگزار گردید. حاصل این کنفرانس، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان بود که پس از طی مراحل لازم، در ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ قوه قانونی یافت. پروتکل ۱۹۶۷ تنها تغییر کوچکی در کنوانسیون ایجاد کرد که بعداً از آن صحبت خواهد شد.

در حال حاضر تعیین وضعیت پناهندگان در سطح جهانی، بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ صورت می‌پذیرد و ۷۸ دولت عضو کنوانسیون یا پروتکل مذکور و یا هر دو سند هستند. این دو سند قانونی تنها شامل کسانی می‌شود که بر اساس تعاریف موجود در آن، پناهنده شناخته می‌شوند و دولتهای متعاقد ملزم به رعایت مفاد سند مزبور و رسیدگی به تقاضای پناهندگی افراد هستند» (۶۸)

ب- کنوانسیون در یک مقدمه و چهل و شش ماده و یک الحاقیه و یک پروتکل ضمیمه مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱ ماده تنظیم شده است.

ج- کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل ضمیمه، پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۵۴/۱۰/۱۷، در جلسه روز سه شنبه ۱۳۵۵/۳/۲۵ به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسد. این کنوانسیون با توجه به شرایط زیر به تصویب ایران می‌رسد:

۱- در تمام مواردی که به موجب این کنوانسیون، پناهندگان مشمول مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع یک دولت خارجی شده باشند، دولت ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که پناهندگان را از مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع دولی که با آنان موافقتنامه‌های ناحیه‌ای و اقامت و گمرکی و اقتصادی و سیاسی دارد، بهره‌مند نسازد.

۲- دولت ایران مقررات مواد ۱۷ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ را صرفاً به صورت توصیه تلقی می‌نماید. (۶۹)

حقوقی که کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ضمیمه برای پناهنده تضمین نموده است:

۱- عدم تبعیض: «دول متعاقد مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجرا خواهند نمود» (۷۰)

۲- دین: «دول متعاقد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود، رفتاری لااقل در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند، اتخاذ خواهند نمود» (۷۱)

۳- حقوقی که خارج از حدود این کنوانسیون اعطاء می‌شود: هیچ یک از مقررات کنوانسیون حاضر، به حقوق و مزایایی که خارج از حدود این کنوانسیون به پناهندگان داده شده است، لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت. (۷۲)

۴- احوال شخصیه: این بحث به طور مفصل در مقاله جداگانه‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (۷۳)

۵- اشتغال با دستمزد: «در مورد حق اشتغال به کار با دریافت دستمزد، هر دولت متعاهد نسبت به پناهندگان که بطور منظم در سرزمین او سکونت کرده‌اند، مطلوبترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد، به عمل خواهد آورد.» (۷۴)

همچنین کنوانسیون در مورد استخدام پناهندگان در اشتغال به کارهای آزاد و حرفه‌های آزاد علمی آنان، تمهیدات و توصیه‌هایی ابراز داشته است. (۷۵)

۶- اموال منقول و غیر منقول: «دول متعاهد در مورد تحصیل اموال منقول و غیر منقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد قراردادهای اجاره و یا سایر قراردادهای مربوط به مالکیت اموال منقول و غیر منقول با پناهندگان رفتاری خواهند نمود که تا سر حد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در این موارد نسبت به بیگانگان بطور اعم به عمل می‌آید، نامساعدتر نباشد.» (۷۶)

۷- مالکیت معنوی و صنعتی: «در مورد حمایت از مالکیت صنعتی به خصوص حمایت از اختراعات طرحها و مدلها علایم تجاری و اسامی تجاری و همچنین حمایت ادبی و هنری و علمی پناهنده در کشوری که معمولاً سکونت دارد، مورد همان حمایتی واقع خواهد شد که از اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید...» (۷۷)

۸- حق عضویت: «در مورد عضویت در جمعیت‌های غیر سیاسی و غیر انتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای، دول متعاهد نسبت به پناهندگان که طبق قانون در سرزمین آنان سکونت دارند، مساعدترین رفتاری را که در چنین موارد در مورد اتباع دول خارجی به عمل می‌آورند، معمول خواهند داشت.» (۷۸)

۹- حق مراجعه به دادگاهها:

۱- هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاهد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید. ۲- هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محل سکونت عادی اوست، در مورد دسترسی به دادگاهها از جمله استفاده از معاضدت قضایی و معافیت از سپردن مخارج و هزینه‌های دادرسی از همان رفتاری که درباره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید، بهره‌مند خواهد شد. ۳- هر پناهنده ۱۷۹

در سرزمینهای دول متعاهد دیگر از سرزمین محل سکونت دایمی خود در مورد مسایل مندرج در بند ۲ از رفتاری برخوردار خواهد شد که دربارهٔ اتباع کشور محل سکونت دایمی وی به عمل می‌آید. (۷۹)

۱۰- رفاه و آسایش: کنوانسیون در مواد متعدد نسبت به رفاه و آسایش پناهنده و مقررات مربوط به آن توجه داشته است. فصل چهارم کنوانسیون در مواد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ به ترتیب: بهره‌مندی از سیستم جیره‌بندی در صورت وجود آن در کشور پذیرنده؛ مساعدت در امر مسکن پناهنده، تعلیمات عمومی پناهنده، برخورداری از کمکهای خیریه و تعاون عمومی را مد نظر داشته است.

در ماده ۲۴، کنوانسیون به مسایل مربوط به کار و بیمه اجتماعی پناهنده توجه کافی نموده است. بر این اساس این ماده: «دول متعاهده در موارد زیر نسبت به پناهندگان که مطابق قانون در سرزمین آنها به سر می‌برند، مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد»:

الف- حقوق (منجمله معاش خانواده در مواردی که معاش مزبور جزء حقوق است). ساعات کار، ساعات اضافه کار، مرخصی یا حقوق، محدودیتهای مربوط به کار کردن در منزل، حداقل سن برای استخدام، یادگیری و تعلیمات حرفه‌ای، اشتغال به کار با نوجوانان و استفاده از مزایای کنوانسیونهای جمعی تا حدودی که موارد مذکور تابع قوانین یا مقررات بوده، و منوط به نظر مقامات اداری می‌باشد.

ب- بیمه اجتماعی: کنوانسیون، مقررات مربوط به بیمه‌های اجتماعی را از قبیل بیمه حوادث، ازکار افتادگی، پیری، مزگ، بی‌کاری و ... با رعایت محدودیتهایی مشمول قوانین داخلی بیمه‌های اجتماعی دانسته است. (۸۰)

۱۱- بهره‌مندی از مساعدت اداری: «هنگامی که اعمال حقی از طرف پناهنده، مستلزم مساعدت مقامات یک دولت خارجی است که پناهنده نمی‌تواند به آنها رجوع نماید، دول متعاهدی که پناهنده در سرزمین آنها سکونت دارد ترتیبی خواهند داد که مقامات مربوطه آنها با مقامات بین‌المللی به پناهنده مزبور مساعدت لازم را بنمایند. (۸۱)

۱۲- آزادی رفت و آمد: «هر یک از دول متعاهد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آنها بسر می‌برند، حق خواهند داد که محل سکونت خود را انتخاب

نمایند و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در این گونه موارد دربارهٔ خارجی‌ان اجراء می‌شود. «(۸۲)».

۱۳- آزادی مسافرت: بر اساس ماده ۲۷ و ۲۸ کنوانسیون، دولت‌های متعاقد با صدور اوراق هویت و اسناد معتبر مسافرت، امکان مسافرت و جابجایی پناهندگان در سرزمین خود را فراهم می‌کنند؛ «مگر آن که دلایل آمرانه مربوط به امنیت ملی و نظم عمومی مغایر با این امر باشد. «(۸۳)»

۱۴- انتقال دارایی: ۱- هر یک از دول متعاقد طبق قوانین و مقررات خود اجازه خواهند داد که پناهندگان دارایی خود را که وارد سرزمین آن دولت نموده‌اند، به سرزمین دولت دیگری که به آنها اجازه استقرار مجدد داده است انتقال دهند. «۲- هر یک از دول متعاقد تقاضای پناهندگان را دایر بر موافقت با انتقال هر گونه دارایی دیگر که برای استقرار آنان در کشور دیگری که با استقرار مجدد آنان موافقت کرده است لازم باشد، با نظر مساعدت مورد توجه خواهند داد. «(۸۴)»

۱۵- کسب تابعیت: دول متعاقد تا آن جا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان، تسهیلاتی فراهم خواهند آورد. و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهد. «(۸۵)»

۴- نتیجه گیری و تطبیق:

از مجموع آنچه گذشت نتایج ذیل حاصل می‌شود.

۱- حقوق عمده و حداقل استاندارد رفتار ذکر شده در منابع بین‌المللی، در منابع اسلامی نیز برای پناهندگان ملحوظ شده است.

۲- بعضی از موارد جزئی پیش‌بینی شده در کنوانسیون ۱۹۵۱، به این صورت جزئی در منابع شیعی لحاظ نشده است؛ لیکن از آن جا که اغلب این حقوق، منافاتی با شرع و نظم عمومی مطلوب اسلام ندارد. می‌تواند در شرایط عقد امان ذکر شود.

۳- در شرایط فعلی حقوق بین‌المللی، ملحق شدن کشور اسلامی به این گونه کنوانسیون‌ها به مقتضای ادله عامه و فای به عقد، پذیرش شرایط مذکور در ضمن پذیرش پناهندگی است.

پی نوشت :

(۱) المتسامن بکسر المیم: هو الطالب للامان استامنه: طلب منه الامان. مصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۴؛ المنجد، ص ۱۶.

(۲) شیخ طوسی (قد)، المبسوط، ج ۲، ص ۴۲.

(۳) این کنوانسیون و پروتکل ضمیمه آن، جامعترین سند بین المللی است که در ارتباط با پناهندگان تصویب شده است. اگرچه دولتهایی که عضو این کنوانسیون نیستند و حتی دولتهای عضو، غالباً در این زمینه بر اساس منافع و سیاست ملی خویش عمل می کنند و تفسیرهای گوناگون و باب طبع خود از آن ارائه می دهند، با وجود این باید پذیرفت که این تعبیرهای مختلف نیز، در کیفیت اعطای پناهندگی توسط دولتها مؤثر است نه در اصل تعریف. بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسأله پناهندگی، حمید نظری حاج آبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۳۳.

(۴) در ماده یک همین کنوانسیون، موارد متعدد دیگری نیز به عنوان مصداق پناهنده ذکر شده است که برای خودداری از تطویل، از ذکر آن خودداری کردیم. ولی به نظر می رسد تعریف ارائه شده به نحوی تمامی آن مصداق را نیز در بر می گیرد.

(۵) ممکن است پناهنده به دارالاسلام نیز چنین حالتی داشته باشد، یعنی از ادامه سکونت در محل سکونت عادی خود ترس و نگرانی داشته باشد؛ بنابراین بین مفهوم پناهنده در فقه و حقوق بین الملل، نسبت عموم و خصوص من وجه است.

(۶) اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش ده، تا این که سخن خدایا را بشنود. سپس او را به جا امن خودش برسان. سوره توبه [۹] آیه ۶

(۷) ابن براج مذهب، ج ۹، ینایع الفقهیه، ص ۸۷؛ وجواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۹۲ و ... در باب ۲۰ از ابواب جهاد العدو وسایل الشیعه، احادیثی در ارتباط با جواز و مشروعیت اعطاء پناهندگی آورده شده است.

(۸) «ظهور الامر بعد الحظر او تو همه ... اختلف الاصولیون فی مثل هذا الامر انه هل هو ظاهر فی الوجوب او ظاهر فی الاباحه، او الترخیص فقط ای رفع المنع فقط من دون التعرض لثبوت حکم آخر ... واضح الاقوال دلالتها علی الترخیص فقط. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۱، ص ۶۷.

(۹) علامه حلی، مبادی الاصول الی علم الاصول، ص ۹۸.

«الامر الوارد بعد الحظر كالامر المبتدأ عند المحققين» شاگرد معروف علامه در حاشیه ای که بر همین کتاب تحت عنوان «غایة البادی ص ۶۹۷۰» تالیف کرده است. دلیل این نظر را این می داند: که مقتضای امر که وجوب است بدون معارض باقی است و نهی قبل از امر نمی تواند مانع از تحقق وجوب شود همانند امری که به حائض و نساء برای نماز و روزه داده می شود که این امر دلالت بر وجوب دارد. ۴.

(۱۰) ... فاجره حتی یسمع کلام الله. توبه [۹] آیه ۶.

(۱۱) المذهب، للمقاضی عبدالعزیز البراج، (۴۰۰-۴۸۱ هـ. ق) ص ۷۷-۸۸، ینایع الفقهیه، ج ۹.

(۱۲) شیخ طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۳۷-۵۱.

- (۱۳) علامه حلی (ه. ق. ۶۴۷-۷۲۶)، قواعد الاحکام، ص ۲۵۵ به بعد، ینابیع الفقهیه، ج ۹.
- (۱۴) شیخ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۹۴-۹۲.
- (۱۵) تمام منابع فقهی ذکر شده در صفحه قبل، برای حاکم این حق و اختیار را قایل شده اند که وی می تواند ضمن انعقاد عقد، شرایطی را ذکر کند. البته در صورتی که عقد، بدون هیچ گونه قید و شرطی منعقد شود باز هم شرایط و تکالیفی متوجه طرفین است که در بحث حقوق و تکالیف به آنها اشاره خواهد شد.
- (۱۶) قال قلت لابی عبدالله (ع): ما معنى قول النبى (ص) يسعى بذمتهم ادناهم قال: لوان جيشاً من المسلمين حاصروا قوماً من المشركين فاشرف رجل فقال: اعطوني حتى القى صاحبكم وأناظره، فاعطاه ادناهم الامان وجب على افضلهم الوفاء به وسایل الشیعه، باب ۲۰ از ابواب جهاد العدو.
- مسعدة بن صدقة، عن ابي عبدالله (ع): ان علیاً اجاز امان عبد مملوك لاهل حصن من الحصون وقال هو من المؤمنین. همان.
- (۱۷) ابن براج، مهذب، باب الامان واحکام، ج ۹، ینابیع الفقهیه، ص ۸۷.
- (۱۸) به کتاب الجهاد تذکره الفقهاء، جواهر الکلام، و قواعد الاحکام مراجعه شود.
- (۱۹) دکتر عبدالکریم زیدان، احکام الذمین والمستأمنین فی دار الاسلام، ص ۴۰-۴.
- (۲۰) همان، ص ۴۳.
- (۲۱) شیخ طوسی، مبسوط، ص ۵۱-۳۷.
- (۲۲) همان، ص ۵۰.
- (۲۳) ابن براج، مهذب، ج ۹، ینابیع الفقهیه، ص ۸۷؛ شرایع الاسلام، محقق حلی، کتاب الجهاد، ج ۱، ینابیع الفقهیه، ص ۲۵۵؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۹۲ به بعد.
- (۲۴) البته باید در نظر داشت این مطلب صرفاً جنبه تشویریک دارد و در عمل، کشورها بر اساس سیاستهای خاص خود عمل کرده. و خود را مکلف به پذیرش پناهندگان نمی بیند.
- (۲۵) نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، شماره ۲۷، بهمن، ۱۳۷۰ اعلامیه های ضمیمه.
- (۲۶) به عنوان نمونه استنکاف کشور ترکیه از پذیرش پناهندگان عراقی؛ استنکاف کشور ایتالیا از پذیرش پناهندگان آلبانیایی در سالهای اخیر را می توان ذکر کرد.
- (۲۷) حقوق بین الملل خصوصی، نصیری، ص ۸۲.
- (۲۸) محمدحسن نجفی، الجواهر، ج ۲۱، ص .
- (۲۹) البته فقها در این مورد تصریح دارند که این شرایط ضمن عقد، نمی تواند مخالف کتاب و سنت باشد و در صورت مخالفت، عقد صحیح ولی شرط فاسد است. در این مورد به کتاب الجهاد جواهر، ج ۲۱، ص ۳۰۰ به بعد و تذکره علامه مراجعه شود.
- (۳۰) قانون کار و تامین اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران.
- (۳۱) برای تفصیل بیشتر این بحث به کتاب تامین اجتماعی، دکتر مهدی طالب مراجعه شود.
- (32) National Minimum
- (۳۳) مهدی طالب، تامین اجتماعی، فصول دوم، سوم، چهار و ششم مراجعه شود.

- (۳۴) وسایل الشیعه، ج ۶، باب ۱ من ابواب مستحقین الزکاة، ص ۱۴۳، حدیث ۱.
 امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه «انما الصدقات للفقراء والمساکین» می فرماید: زکاة به تمام کسانی که حاکمیت امام را پذیرفته اند پرداخت می شود.
 مؤلف کتاب ارزشمند ولایت الفقیه نیز با استفاده از همین روایت صحیحیه بر حسب تشریع اوکی، زکاة را تحت تصرف امام و برای تأمین اجتماعی افراد تحت لوای حکومت اسلامی می داند. منتظری، حسین علی، ولایت الفقیه، ج ۱، ص ۹۹.
 (۳۵) والارض وضعها للانام، الرحمن [۵۵]، ۱۰.
 (۳۶) ... فقال (ع): ان الامام يعطى هؤلاء جميعاً لانهم یقرّون له بالطاعة.
 (۳۷) وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹، باب ۱۹ از ابواب جهاد العدوّ (باب ان نفقه النصرائی اذا کبر وعجز عن الکسب من بیت المال)
 مرّ شیخ مکفوف کبیر یسال، فقال امیر المؤمنین (ع) ما هذا؟ قال یا امیر المؤمنین نصرائی. فقال امیر المؤمنین (ع): استعملتموه حتی اذا کبر وعجز منعمتموه؟ انفقوا علیه من بیت المال.
 (۳۸) کتاب الزکاة جواهر الکلام، مفتاح الکرامه.
 (۳۹) ولایت الفقیه، ج ۲، ص ۷۲۳.
 (۴۰) بررسی کتب تاریخی از قبیل: کامل ابن اثیر، تاریخ طبری و سیره ابن هشام بخوبی نمایانگر این مدّعا است.
 (۴۱) فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۷؛ ص ۹۵، عبده ۱۲۰، نهج البلاغه، ج ۱، ص ۷۶.
 (۴۲) بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۶، تاریخ امیر المؤمنین، باب ۱۰۵.
 (۴۳) برای نمونه مراجعه شود به کتاب شریف وسائل الشیعه باب ۳ از ابواب دیات النفس حدیث ۸.
 (۴۴) برای تحقیق و مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به کتاب وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۸، من ابواب حد الزنا؛ و همان جلد، باب ۱۷، ابواب کیفیة المحکم.
 (۴۵) منتظری، حسین علی، ولایت الفقیه، ج ۲، ص ۷۲۳ به بعد.
 (۴۶) پیشه و حرفه آزاد برای اقلیتهای مذهبی متعهد شامل مشاغل تولیدی و صنعتی و همچنین شاغلی از قبیل طبابت و تعلیم و نظائر آن نیز می گردد ... این نکته را نیز باید یادآور شد که جزئیات و موارد این حق با تصریحاتی که ممکن است و در متن قرارداد مورد توافق قرار گیرد قابل تغییر و تبدیل می باشد. عمید زنجانی، حقوق اقلیتی، ص ۲۰۳.
 (۴۷) احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۳۳/ از الوثائق السیاسیه، ص ۱۱۵ و زاد المعاد و ... نقل و شرح نموده است.
 (۴۸) گرچه به نظر می رسد استناد به این نامه برای اثبات مدّعی فوق چندان محکم نباشد؛ لیکن سیره حکومتهای اسلامی، می تواند دلیل محکمی بر پذیرش این حق باشد.
 (۴۹) مذهب در این جا به هر دو معنای آن یعنی Religion به معنای دین و فرقه مذهبی Sect مورد

نظر است.

(۵۰) وان احد من المشرکین استجارک فاجرہ حتی یسمع کلام اللہ. اگر یکی از مشرکین از تو تقاضای پناهندگی کرد به او پناهندگی بده تا سخن خدا را بشنود.

(۵۱) مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۳۳.

(۵۲) رک: وسایل الشیعه، باب ۲۱، از ابواب عقد البیع و شروطه، باب اشتراط اختصاص البائع بملک المبیع؛ و باب ۷۱ از ابواب جهاد العدو، باب حکم الشراء من ارض الخراج والجزیه.

(۵۳) مبسوط، ج ۲، ص ۴۸؛ عمید زنجانی، حقوق اقلیتها، ص ۱۷۵.

(54) Minimum standard

A modern interoduction to international law.88

(55) Werdross

(۵۶) نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۸۰.

(۵۷) این اعلامیه در سال ۱۹۴۸ پس از تصویب در کمیسیون حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. متین دفتری، احمد، حقوق بشر و حمایت بین المللی آن.

(۵۸) مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، به نقل از نشریه شماره ۲۷، بهمن ۱۳۷۰، دانشکده حقوق دانشگاه تهران ترجمه فارسی.

(59) The covenant on Civil and political rigts.

(60) The covenant on Economic, social and cultural Rigts.

(۶۱) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو میثاق فوق را در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، اضافه پروتکل اختیاری که ضمیمه میثاق حقوق مدنی سیاسی می باشد تصویب و برای امضاء به کشورهای عضو پیشنهاد نمود. طباطبایی، منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، ص ۲۳۳.

(۶۲) متین دفتری، مقدمه میثاق / حقوق بشر و حمایت بین المللی، ص ۳۵۸.

(۶۳) همان، ص ۳۷۱.

(۶۴) همان، ص ۳۷۲.

(۶۵) ترجمه فارسی اعلامیه اسلامی حقوق بشر.

نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، شماره ۲۷.

(66) Convention relating to the status of refugees done at Genava on 28 July 1951.

(67) Protocol relating to the status of refugees of 31 January 1967

(۶۸) نظری تاج آبادی، حمید، بررسی جنبه های مختلف حقوقی، مساله پناهندگی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ص ۳۲.

(۶۹) مجموعه قوانین مجلس شورای ملی.

- (70) Article 3 Non - discrimination.
- (71) Article 4 Religion.
- (72) Article 5 Rights granted apart from this convention.
- (73) Article 12 personal status.
- (74) Article 17 wage earning employment.
- (75) Article 18 self employment.
- (76) Article 13 movable and immovable property.
- (77) Article 14 Artistic rights and industrial property.
- (78) Article 15 Right of association.
- (79) Article 16 Access of courts.
- (80) Article 24 labour legislation and social security.
- (81) Article 25 Administrative assistance.
- (82) Article 26 freedom of movement.
- (83) Article 28 travel documents.
- (84) Article 30 Transfer of assets.
- (85) Article 34 Naturalization.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی